

از دکتر آینده برژ استاد کرسی روانشناسی
و روان پزشکی دانشگاه پاریس و رئیس
فداسیون بین المللی مدارس اولیاء و مربیان

ترجمه: دکتر آصفه آصفی
دانشیار دانشسرای عالی

تعلیم و تربیت خانوادگی

کتابش «کودکان و مادران» نصیحتی درباره جلب توجه کودکان به این حقیقت که «این پدر و مادر نیستند که به محیط خودشان و دنیای بچه‌هایشان حکومت می‌کنند بلکه در واقع قضاوت صحیح و قوانین جاودانی، حاکم مطلق است» دنباله مطلب را اینطور می‌آورد که پدر و مادر نباید بترسند و نه اینکه وانمود کنند آنان اولین کسانی هستند که از این قوانین و اصول تبعیت می‌کنند و یگانه اصل قانون را رد کرده و خود را قانع سازند که باین اصول احترام می‌گذارند مخصوصاً اگر اینکار بجهت این باشد که روح این دستورات و عقاید با عزت نفس و «من» آنها مغایرت داشته و صرفاً برای تشفی حس خود خواهی، همه قوانین و مسائل را مردود بشناسند. اغلب توقعات و خواسته‌های شخصی هر کس و آنچه را که مغزش می‌پروازد، باعث می‌شود که تکالیف و ولایف اصلی که برعهده‌اش محول گردیده فراموش کرده و یا ردش نماید. در حداقل: برای انگیزه‌های

خوشحال کنی دستهایت را لیل ازصرف غذا بشوی» یا اینکه «بین من غذایت را حاضر کردم حالا برای اینکه بیشتر تو را دوست داشته باشم و تو هم مطبوعتر بشوی می‌توانی دستهایت را قشنگ بشویی» درچنین مواردی ارجحیت دارد که تعاریف عاقلانه خانم دروتی کامفیلد فیشر Dorothy Comfield Fisher را که در

مسلم است که این نوع دادوستدها و راه‌های باصطلاح تجاری نمیتوانند نه از نظر بهداشتی و نه از نظر آداب و رسوم، جوابگوی نیازمندی‌ها و احتیاجاتی باشند که بعنوان راهنمایی معتبر و غائی مورد استفاده قرارگیرند، هیچ چیزی مناسب‌تر و بهتر و بموقع‌تر از این نیست که مثلاً اعلام شود «برای اینکه من را



تا برای جمع آوری چیزهاییکه فقط در نتیجه بی اطلاعی بر روی زمین ریخته اند به کمکمان بشتابند. بی صبری و غرغر کردن عواملی هستند که میتوانند کودکان را آماده و مرتب نمایند اما شما می توانید در وقت معین و لحظات مناسب به آنان گوشزد نمائید که از خم شدن متوالی بر روی زمین برای جمع آوری اسباب بازیهاییکه در اثر بی دقتی همه جا ریخته اند خسته شده اید و از این به بعد

توجهی به نظم و ترتیب و رویه ای که بتواند از زحمت و کار اضافی و ملالت با اطرافیان شان بکاهد نمی کنند. آنان دکمه ای که از لباسشان کنده شده است به باد بی اعتنائی و شوخی می گیرند و باشکال می توانند درک کنند که همین جزئیات کوچک و ناچیز چه برای بهداشتشان و چه از نظر آداب و رسوم بسیار مؤثر می باشد. وقتیکه بچه ها خوانند آنها را اقلایست مرتبه صدا می کنیم

جدی تر کار، استراحت، بعضی ملاحظات و طرفداریهایی بوجود می آورند (همچنین زیاده روی و افراط در جوانی) - ساعاتی که بعنوان استراحت کردن در را برویمان می بندیم از خداوند می خواهیم که هیچ کس بهیچ عنوانی ما را ناراحت نکرد، و آراشمان را ضایع نسازد « آنوقت بچه ها که تشخیص نمیدهند نه مزاحمت چیست، ناآگاهانه برای سایرین ناراحتی فراهم میسازند و کوچکترین



بدآموزی را به او یاد میدهد هم ناتوانی خودتان را نشان میدهند و هم به هدف اصلی نرسیده‌اید فقط کودک را با روشی نامناسب حریص ساخته‌اید. من دختر کوچک کمتری از دوسالی را دیده‌ام که برای موقع خوابیدن عادت کرده بود انگشتانش را به‌سکد منحصرأ برای اینکه از اینکار خوشش می‌آمده است ولی وقتی که شب دوی خواب عادیش را نمیداند و خواب بچه به تأخیر می‌آید ناله‌ها و گریه‌های تضرع آمیزش شنیده می‌شد ولی درعین حال قول و قرار را هم که با مکیدن انگشتانش داشت از یادش نمیرد - تعلیم و تربیت با روش‌های گوناگونش این موضوعات را تجزیه و تحلیل

کمتر می‌توانند قدرت تصمیم‌گیری داشته باشند مخفی کردن جعبه شکلات برای اینکه بچه‌ها از شکلاتها کش نروند که مبادا کسالت پیدا کنند و بعد هایشان ناراحت شود بنظر من روشی بی‌ارزش و نامناسب است و از مقام و شان پدر و مادر می‌کاهد و اگر مبالغه نباشد حمل بر عجز آنان می‌شود.

چرا به بچه‌های شکمو تفهیم نکنیم که کش رفتن شکلات علاوه بر اینکه برایتان مضر است شما را در انتظار خوار و خفیف می‌کند و عملی انجام که به اندازه بسیار زیادی دلیل بر بی‌اعتمادی و بدگمانی بچه‌ها بشود؟ یا پنهان کردن جعبه شکلات که عمل کودک را کنجکاو نموده و احياناً راه

می‌توانند بازیهای دیگری که این اندازه اسباب زحمت نباشد انتخاب کنند و شما را راحت بگذارند.

متخصصین تعلیم و تربیت نظرات و عقاید متفاوتی دارند و من تصور می‌کنم خانم فیشر هم یکی از آنان باشد اما باید همه چیز در منزل حاضر و آماده باشد برای اینکه زیر دست و پایی بچه‌ها قرار گیرد و در اختیار آنها باشد؟ بقسمی که لااقل موقعیتی برای نشان دادن حد و حدود شلوغی بچه‌ها بدست آید بهتر است رسم و روش معمولی بکار رود تا بچه‌ها احساس نکنند که آزادی ندارند و از طرفی سعی نکنند اغفالشان کنند برای خانواده‌هایی که به این نوع وسائل متوسل می‌شوند پدر و مادری سست هستند که

گیرد برابر با فرضیه‌هایی که ارزش جهانی دارد نامناسب نخواهد بود اگر مسائل بصورت تجربی به موجودات جوانی که حقوق و قوانین هر کدامشان بر قوانین و حقوق دیگران حکم شده است آموخته گردد؟

مثل اینکه به بعضی از مسائل و چشم‌اندازهای اراده‌کودک واقعی گذاشته شده است. ولی افراط در سهل‌گرفتن هم در نوع خودش نوعی گول زدن است وجود و موجودیت فرد آماده شده است که زیر پای دیگران قرار

می‌کند آیا می‌شود بطازرقطعی قسمتی از حالات بالقوه کودکی را توجیه کرد؟ متأسفانه آنهائیکه قابلیت این را دارند که هشیاری و فهم و فراست کودک را بحال اولیه‌اش برگردانند گاهی سواردی را نشان داده‌اند

